

# آفرینش چشم اندازی اورارتویی

## در ماوراء قفقاز جنوبی: پژوهشی در نظام معماری سیاسی (۱)

نویسنده: آدام بی. اسیت  
مترجم: بهرام آجورلو

### چکیده

در آغاز سده هشتم پ.م. آرگیشتی یکم شاه اورارتو، ماوراء قفقاز جنوبی را فتح کرد و دگر دیسی دراماتیک در چشم انداز محلی به یک ابزار اقتدار امپراتوری آغاز شد. این مقاله با دقت به تحولات سازماندهی مکانی قدرت سیاسی در آرارات Ararat و دشت شیرک shirak از پیدایش دولتهای اولیه در پایان هزاره دوم پ.م. تا فروپاشی امپراتوری اورارتویی در پایان سده هفتم پ.م. می پردازد. الگوهای مکانی [که] با اشکال ساختمانی مشخص شدند، عناصر فعال در سازماندهی سیاسی مرتبط با تابعان و دستگاه دولت اورارتویی و میان عناصر نهادینه امپراتوری بودند. این آنالیز پیشنهاد می کند که رویکرد نظام معماری به اقتدار سیاسی می تواند چشم اندازی انتقادی برای تحقیقات در چگونگی روابط مکانی ویژه، که به ایجاد، بازسازی و فروپاشی دولتهای باستانی یاری رسانده اند، به همراه بیاورد. (۱)

ایجاد چشم اندازها اساساً به تشکیل اقتدار سیاسی وابسته است. (۲) تعریف رژیمها، مستقل از نظم مکانی که آنها ایجاد می کنند، غیر ممکن است؛ مناطقی که آنها یکپارچه می کنند، شهرهایی که می سازند یا بناهای یادمانی که برمی افزایند. هر چند که، به دلیل باستان شناختی ظهور سنتی دولتها نوعاً ریخته های مکانی عمومی را به مثابه فرا پدیده بسیاری فرایندهای بنیادین معاصر توسعه تاریخی تعریف می کند که تکامل، بوم شناختی یا سیستماتیک می باشند. در سالیان اخیر، چندین پژوهش نقش بسیار ویژه و حیاتی به سازماندهی مکان در تشکیل اقتدار سیاسی، نمایش شیوه هایی که در شکل های مکانی ویژه برای تثبیت قدرت و قانون ابزاری گردیدند، داده اند. (۳)

دواستدلال و انگیزه قوی در این زمینه ظریف و حساس قرار می گیرند، معهداً محور معرفت شناختی بسیار مهم است. اول، رشد گرایشها به پرداختن به عملیات قدرتها درون سیاستهای ویژه (به بهای روایات تعمیمی تکامل سیاسی) بسیاری محققان را به ترسیم چهار چوب نظری جغرافیایی، معماری و اجتماعی وا می دارد که فضاها را به مثابه ابزاری توصیف می کند که کارهای روزانه را در الگوهای ویژه سازمان می دهند. دوم، رشد چشم اندازهایی که دولتها را نه به مثابه کارکردی ساده بلکه به

صورت کاملاً ایدئولوژیکی که به صورتی کاملاً موجه به پرسش از چگونگی ریختار شهر (یا الگوی استقرار یا بنایی) انجامیده اند، مشخص می کنند که بازسازی یک نظم سیاسی را حمایت می کنند یا برمی افکنند. (۴)

در این مطالعه، من شکل گیری، بازسازی و فروپاشی اورارتو در ماوراء قفقاز جنوبی را با مراجعه به چشم اندازهای پدید آمده امیران اورارتویی در آرارات و دشت شیرک تحقیق کردم. هنگامیکه شاه آرگیشتی یکم سپاهیان مزدور دولت بورژوازی اورارتو را به دشت آرارات، در آغاز قرن ۸ ق.م. آورد، او بر پیوستگی قلمروهای [مفتوحه] به مثابه ایالتی از امپراتوری، بوسیله تغییر شکل دهی که او انجام داد تأکید ورزید. به منظور چشم انداز، برای تکریم خدای خالدی، آرگیشتی، پسر منوا، می گوید: من دژی استوار ساختم و نام خویش بر آن نهادم؛ آرگیشتی هینیلی Argishtihinili زمین با بر بود؛ هیچ چیزی در آنجا ساخته نشده بود. از رودخانه چهار کانال بر آوردم؛ [میانۀ] تاکستانها و باغهای میوه تقسیم شدند. من اعمال پهلوانانه بسیاری از خود در آنجا نمودم. (۵) نتیجتاً، دوباره ساماندهی چشم اندازهای مفتوحه در متون اورارتویی بایگانی مرکزی سلطنتی منعکس شده اند. ترسیم چهارچوب عملیات رژیمهای سیاسی در سازماندهی مکان کمتر مسأله شکل هندسی دارند تا اینکه نظامهای معماری سیاسی - الگوهای منظم کنش که با ساختار دولتی مشخص شده اند. (۶) با مشخص کردن دلایل روابط مکانی عملی میان عناصر منظم در مقیاسی وسیع، این آنالیزهای اورارتویی ماوراء قفقاز جنوبی پیشنهاد می کنند که عملیات قدرت سیاسی تجلی رسمی چشم اندازی را می طلبد که فعالانه روابط پیچیده قدرت دولتی را ارتقاء می دهد: پس چشم اندازها ابزارهای استراتژی سیاسی اند و نه فرا پدیده های یک تعیین اولویتها.

تحقیقات باستان شناختی درباره شکل گیری دولتها دیر زمانی است که دو فرایند را کنار هم نهاده است؛ تثبیت روابط رادیکال نامساوی سیاسی میان حاکمان و دست نشانندگان (۷)؛ و تجلی رسمی روابط نهادینه برای ارتقاء دستور کار دولت و اداره جریان تبادل کالا و اطلاعات. (۸) هر دو مشمول مسایل نظام معماری می شوند. عدم تساوی سیاسی به لحاظ امتیاز دسترسی بر منابع اقتصادی،

دولتهای محلی متمرکز در دژها، که بالای صخره‌های بسیار بلند قابل دفاع محصور با دیوارهای عظیم سنگی [سیکلوپی] مشخص شده‌اند. مادامیکه مدارک عصر برنز میانه محل‌های شاخص جهت سالیابی اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق.م، همچون قره شنبه، اوزرلیک و واندزور (کورگانهایی به همان غنای سایت نامدار Trialeti)<sup>(۱۱)</sup>، به پیدایش میراث‌های اجتماعی اشاره دارند اینکه این نابرابریها برای نظم روابط سیاسی تا پایان نیمه هزاره دوم ق.م. به تنهایی سامان یافته بودند، تحت توجهات آنچه که اخیراً به فرهنگ "Lchashen-Metsamor" مصطلح شده است، واضح نیست (نمودار الف).<sup>(۱۲)</sup>

با وجود یک گاهنگاری نامرتب باستانشناختی، چهارچوب اصلی عصر آهن کهن - برنز جدید (پس تنها آهن کهن) بر تنوع پذیری بسیار مهم منطقه‌ای در ظهور اولین دولت - دژهای توسعه یافته در مدت قرون زد و خوردهای نظامی میان دولتها دلالت می‌کند.<sup>(۱۳)</sup> در آغاز هزاره یکم ق.م. کتیبه‌های اورارتویی خبر می‌دهند که قدرتهای هم‌تراز محلی در دشت آرارات به سوی عدم وحدت سیاسی منطقه‌ای گام برداشته‌اند؛ همچون اتیونی کسه - چسند - نبرد به راه انداخت (N.V.Arutyunian, Toponimika Urartu (Yerevan 1985).

دولت بیابلی که آشوریان آن را با نام اورارتو می‌شناختند (بر پایه پژوهشهای امروزی) در شرق آناتولی با اتحاد گروهی از اتحادیه‌های محلی قدرتهای هم‌تراز سیاسی در مدت پایان هزاره دوم و اوایل هزاره یکم ق.م. ظهور می‌کند.<sup>(۱۴)</sup> تاریخ سیاسی دولت اورارتو می‌تواند به آسانی به سه دوره مشخص - شکل‌گیری، امپراتوری و بازسازی [پس از فروپاشی] - تقسیم شود؛ هم با گزارشهای تاریخی و هم با چشم‌انداز فیزیکی قدرتهای دولتی (نمودار ۳-۲).

اما عوامل مؤثر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ورای درهم پیچیدگی پادشاهی اورارتو مؤلف بسیار مهمی برای مباحثه هستند تا اینکه مدرکی محدود باشند. در این زمان ما به سادگی از آناتولی شرقی برای دوره شکل‌گیری (۸۵۰-۱۳۰۰ ق.م.) اطلاعات کافی جهت تشخیص موضوع توسعه سیاسی آغاز تاریخی اورارتو در دست نداشتیم.<sup>(۱۵)</sup>

در اواسط نیمه قرن ۹ تا آغاز قرن ۸ ق.م. شاهان اورارتویی به برنامه توسعه قلمرو امپراتوری پرداختند و سرچشمه‌های رود فرات تا سواحل جنوبی دریاچه ارومیه را فتح کردند (تصویر ۲)، گرچه، با وجود حضور در شمال رود ارس، از زمان پادشاهی ایشیونی در اواخر قرن ۹ ق.م. تا دهه هفتم قرن ۸ ق.م. اورارتوها ماوراء قفقاز جنوبی را اشغال نکردند اما شاه آرگیشتی اول فتوحات نظامی خویش را با وجود یک برنامه گسترده دژسازی در دشت آرارات فرموله کرد (نمودار ۳).<sup>(۱۶)</sup> در مدت دوره امپراتوری، شاهان اورارتویی حوضه دریاچه سیوان و دشت شیرک جنوبی را نیز تصرف کردند.

دوره امپراتوری مجموعه‌ای از استحکامات نظامی نزدیک به همدیگر را در اواخر قرن ۸ ق.م. به همراه آورده بود. نظامی‌گری اورارتویی و زدو بند‌های سیاسی در جنوب حوضه دریاچه ارومیه سارگون دوم را جهت حضوری آشوری [سپاه] در منطقه ترغیب و تحریک کرد. نبرد وی با سپاه اورارتویی به رهبری شاه روسای یکم به اوج رسید.<sup>(۱۷)</sup> گزارشهای اطلاعاتی آشوری دلالت می‌کند که همچنین اورارتو در این زمان مورد تهاجم کیمیریان، از سوی قفقاز، قرار گرفته بود و پایه‌های حکومت با قیام درونی نخبگان طبقه حاکم اورارتو متزلزل شد که سلسله سلطنتی را با بحران مواجه کرد.<sup>(۱۸)</sup> روسای یکم در دفع حملات کیمیویان و سرکوب شورش و نتیجتاً حفظ سلسله موفق شد اما دوره گسترش اورارتو به انتهای خود رسید. طرح‌های امپراتوری آن [اورارتو] را آشور در جنوب اجراء کرد و کیمیریان به شمال ماوراء قفقاز رانده شدند.

گزارشهای تاریخی درباره بازسازی [پس از فروپاشی امپراتوری] به

نمادین و اجتماعی - که مبتنی بر قدرت هستند - تعریف شده است که می‌باید در فضای فیزیکی از طریق مرزبندیها، و حلال و حرامها درک گردد. مشایبها، روابط مکانی میان نهادهایی که شرایط آنها با دستگاه سیاسی در هم می‌پیچند نیز وجود دارند. باستان‌شناسان در تعریف اجزای سازنده مدیریت دولتی، درخواست نیازهای مکانی خویش را پیشنهاد می‌کنند. معابد، کاخها و بازارها به عنوان نمادهای معرفت‌نهادهای پیچیده مذهبی، سیاسی و اقتصادی به کار رفته‌اند؛ هر چند که، ساختارهای فیزیکی خود آنها - و روابط آنها با همدیگر - ندرتاً به مثابه شالوده‌ای برای شکل‌گیری و عملیات دستگاههای دولتی توصیف شده‌اند.

داده‌های مکانی قابل دسترسی از ماوراء قفقاز جنوبی هم برای قلمرو اورارتوها و هم برای عصر آهن کهن - پیش از آن - محصول دهه‌ها تحقیق باستان‌شناسان شوروی [سابق] هستند. این گستره پهناور اطلاعات باستانشناختی یک نمای عالی از چشم‌انداز بر نهادهای دولتهای اولیه منطقه و سپس افول دراماتیک آنها تا حد یک ایالت از امپراتوری فراهم می‌کند.

### درآمدی بر ماوراء قفقاز جنوبی<sup>(۹)</sup>

این منطقه میان دریای خزر و دریای سیاه قرار دارد که آشکارا با رود ارس و حوضه آبریزهای آن شناخته شده است - آخوری، قاشق چایی، رزدان و آرپاچایی (تصویر ۱). این منطقه شامل بسیاری از اراضی جمهوری کنونی ارمنستان و بخشهایی از شمال شرق ترکیه و جمهوری نخجوان می‌شود. ماوراء قفقاز جنوبی منطقه‌ای کوهستانی با رودخانه‌های افتان و خیزان در میان دره‌های ژرف می‌باشد و گهگاه سلسله جبال با دشتهای وسیع از هم گسسته می‌شوند. معدل ارتفاع ۱۲۰۰ تا ۱۸۰۰ متر از سطح دریا است و دشت آرارات تنها ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارد. دشتهای آرارات و شیرک دو دشت پهناور حاصلخیز زراعی در ماوراء قفقاز جنوبی هستند و اراضی آباد زراعی در میان آنها گسترده شده‌اند.<sup>(۱۰)</sup>

استقرار اورارتویی ماوراء قفقاز جنوبی سه منطقه جغرافیایی را فرا می‌گیرد: حوضه دریاچه سیوان، دشت شیرک و دشت آرارات در نهایت مقایسه‌های جغرافیایی تحقیق در اینجا بحث خواهند شد. این پژوهش بسیار مهم و ارزشمند به بخش شمالی رودهای ارس و آرپاچایی دشت آرارات و ساحل شرقی رود آخوری پرداخته است که گسترده‌ترین پراکندگی ساخت و سازهای اورارتویی را در برگرفته و بیشترین توجه باستان‌شناسانه را به خود جذب کرده است. دومین مقوله مورد علاقه، دشت شیرک است که در شمالغربی کوهستان آراگاتس Aragats قرار گرفته و مرکز قابل ملاحظه پژوهش درباره عصر برنز پایانی - آغاز آهن ماوراء قفقاز جنوبی و پذیرای حضوری اورارتویی شده است.

آفرینش چشم‌اندازی اورارتویی در ماوراء قفقاز جنوبی آن را تداوم بخشید. گرچه شاهان اورارتویی اغلب دشت آرارات را چونان سرزمین بایر وصف کرده‌اند، همچنین کتیبه‌های ایشان یک چشم‌انداز جمعیتی با امیرنشینها و شهر - دژها را نیز گزارش داده‌اند.

(E.g. Melikishvili nos. 136.137.138, and 143)

پس درکی از سازماندهی چشم‌انداز ما قبل اورارتویی جهت تشخیص استراتژیهای سیاسی اتخاذ شده امپراتوری اورارتویی الزامی است. پیوتروفسکی Piotrovski آن را به مثابه «دوره شکوفایی فرهنگی و توسعه مستقل» توصیف کرده است.

(Quoted in T.S. Khachatryan, Drevnaya kultura shiraka (Yerevan 1975) 127.

قرون مقدم بر حمله اورارتو به ماوراء قفقاز جنوبی شاهد بنیاد یک چشم‌انداز واحد گردید. دوره‌های برنز جدید و آهن قدیم (۷۸۰-۱۵۰۰ ق.م.)، دوران گسترش فزاینده سیاسی بودند که با ظهور

این آنالیز اقتدار سیاسی اورارتوایی در دشتهای آرارات و شیرک ماوراء قفقاز، بخشی از یک تلاش بسیار جهت حرکت از مدلهای تک بعدی به سوی تمرکز تحقیقات منطقه‌ای محور مکانیزمهای اقتدار اورارتوایی می‌باشد.

## اتباع و دولت

نظامهای معماری نابرابر در ابعاد چشم انداز مشهود هستند که [بازتاب] روابط عملی سازمان میان اتباع و دولت می‌باشند. این پارامترهای مکانی بر مبنای سازماندهی قدرت و دسترسی به گزارش باستانشناختی متنوع خواهند بود. داده‌های ماوراء قفقاز جنوبی به ما به منظور بحث در سه محور اتباع - دولت - نظام معماری اجازه می‌دهند: مکان استقرار، اندازه دینامیکها و توپوگرافی مکان استقرارها می‌تواند به لحاظ دو بعد مقدماتی متریک و ارزیابی و موقعیت توصیف شود که جهت تشخیص روابط نظامهای معماری بر هم کنش دارند. مکان، یک اندازه منطقه‌ای است؛ فضاهای مسکونی و غیر مسکونی به ترتیب الگوی تردد میان ایشان، با هدف نمایش اقتدار دولتی، نمودار بندی شده‌اند. کاربرد یک گونه واحد مکان خارج قسمت [حاشیه‌ای - پیرامونی] یا (LQ) را جغرافیدانان توسعه داده‌اند که بر آن مبنای ما می‌توانیم گرایش منطقه‌ای موقعیت دژها را تشخیص دهیم. G.M.Barber, Elementary statistics for Geographers (New York 1988) 87-88

این رقم (LQ) نسبت استقرارها در یک محوطه نسبت به دیگر محوطه‌ها را توصیف می‌کند: LQ به مثابه نسبت سر جمع سایتها در یک محوطه "B" محاسبه شده است:  $LQ = \frac{\sum A}{\sum B}$ . LQها اساساً رقمی بیش از 1.0 هستند که بر یک گرایش بسیار قوی به سوی جایگیری سایت در محوطه A دلالت می‌کند: یک  $LQ > 1.0$  یک گرایش به سوی محوطه B را نتیجه خواهد داد. چونان آنالیزی تنها تحولات توصیفی مکان را در بُعد زمان آشکار می‌کند اگر پارامترهای جغرافیایی شناسه محوطه‌های A و B همیشگی باقی بمانند و اگر تقسیم محورها بتواند وجود داشته باشد، یک بعد مهم مکان در عمل نموده می‌شود. به منظور این آنالیزها، محوطه‌های A و B در راستای محورهای فیزیوگرافیک منطقه متمایز شده‌اند: محوطه A به شبیه‌های کوهستان آراگاتس و سلسله جبال گغام Gegham و سلسله جبال شیرک باز می‌گردد در حالیکه محوطه B به درستی دشتهای آرارات و شیرک را در برمی‌گیرد. تقسیم محورها میان محوطه‌های A و B به صورت محوری [به ارتفاع] ۲۰۰ متر بالاتر از دشت مرکزی مشخص شده است - محوری دلخواه فرضی می‌باشد که در اصل به عنوان نقطه ثابت و نقطه مرجع همه محوره‌های محاسباتی - اکتشافی در مکانهای استقراری در کل زمان عمل می‌کند. برای دشت آرارات، محوطه A شامل همه سایت‌های بالای ۱۱۰۰ متر می‌شود در حالیکه در دشت شیرک محوطه [A سایت‌های] بیش از ۱۷۰۰ متر را در بر می‌گیرد. پس هم سنجش و هم موقعیت برای سنجش مکان یکسان شده‌اند.

اندازه سایت پارامتری مکانی استاتیک است که ذاتاً هیچ انگیزه درونی برای تشکیل قدرت سیاسی نمی‌بخشد. به ترتیب اهمیت بازسازی نظام معماری سیاسی، اندازه‌ها می‌باید کاربردی شوند؛ نه تنها برای توصیف پتانسیل گستردگی اسکالر [کمیت مقداری] روابط جغرافیایی (ترکیب بندی منطقه‌ای) بلکه برای تشخیص دقیق تجمع فیچرهای چشم‌انداز و الگوهای اسکالر [کمیت مقداری] که کل کنشها و رفتارها را عملاً در بر می‌گیرد.<sup>(۲۱)</sup> به عبارت دیگر، تفاوت در سطح محوطه به لحاظ سیاسی دارای مفهوم می‌باشند، اگر چنانچه آنها به واسطه فیچرهای مرتبط با همدیگر همچون شبکه راهها، توپوگرافی یا فیچرهای درونی یک استقرار، با کارکردی مشخص پیوسته باشند. هر چند که شناسایی سایتی نسبتاً بزرگ یا کوچک هیچ دلیل ضرورتاً حتمی برای سازماندهی سیاسی قدرت را نمی‌نماید. دینامیکهای اسکالر ادله قابل توجهی برای

غناي دوره امپراتوری نیستند. اما مادامیکه منابع تاریخی کم حرف باشند [اطلاعات ناچیز دارند]، گزارش باستانشناختی دوره بازسازی اورارتو چندان توانمند است که بر یک وحدت مجدد بسیاری از قلمروهای [تحت حاکمیت] اورارتو، باز فعال شدن آن، عزم به چالش با تشنج طلبی آشوریان در کوهپایه‌ها و احیاء مجدد قدرت اورارتو دلالت کند.

سلطنت روسای دوم اوج دوره بازسازی بود (به لطف کتیبه‌های مکشوف) پنج دژ اصلی بسیار بزرگ به دستور وی ساخته شدند که بزرگترین آنها عبارتند از؛ بسطام در شمالغرب ایران و کارمیر بلور در دشت آرارات نزدیک ایروان.

W.Kleiss, Bastam I (Berlin 1979); Kleiss, Bastam II (Berlin 1988).

Oganesian 1955: BB. Piotrovski, karmir - Blur III: Resultat Raskopok 1951-1953 (Yerevan 1955).

چندین دژ دیگر نیز در ماوراء قفقاز جنوبی بدون کتیبه، بر مبنای خصوصیات معماری و مجموعه‌های سفال مکشوف در آنها، تاریخ گذاری شده‌اند. توالی خاندان سلطنتی پس از روسای دوم مبهم و فهرست آخرین امیران امپراتوری و تاریخ فروپاشی امپراتوری معشوش است. سرنوشت اورارتو و متصرفات آن در ماوراء قفقاز جنوبی در مدت پایان قرن ۷ ق.م. به خوبی شناخته شده نیست. پیوتروسکی فروپاشی نهایی اورارتو را ۵۹۰ تا ۵۸۵ ق.م. بر مبنای کتاب مقدس، تاریخ گذاری کرده اما تصور می‌شود که مدت روند این فروپاشی طولانی بوده است.<sup>(۱۹)</sup> کتیبه‌ای از آشور بانی پال، به تاریخ ۶۴۳ ق.م. تسلیم شاه اورارتو «ایشتار» به آشوریان را گزارش می‌کند. (ساردوری سوم یا چهارم؛ نمودار ۳) گرچه این کتیبه، تاریخی دقیق برای فروپاشی امپراتوری را بدست نمی‌دهد اما اورارتو هرگز قدرتی مهم در جغرافیای سیاسی آسیای غربی نگردید.

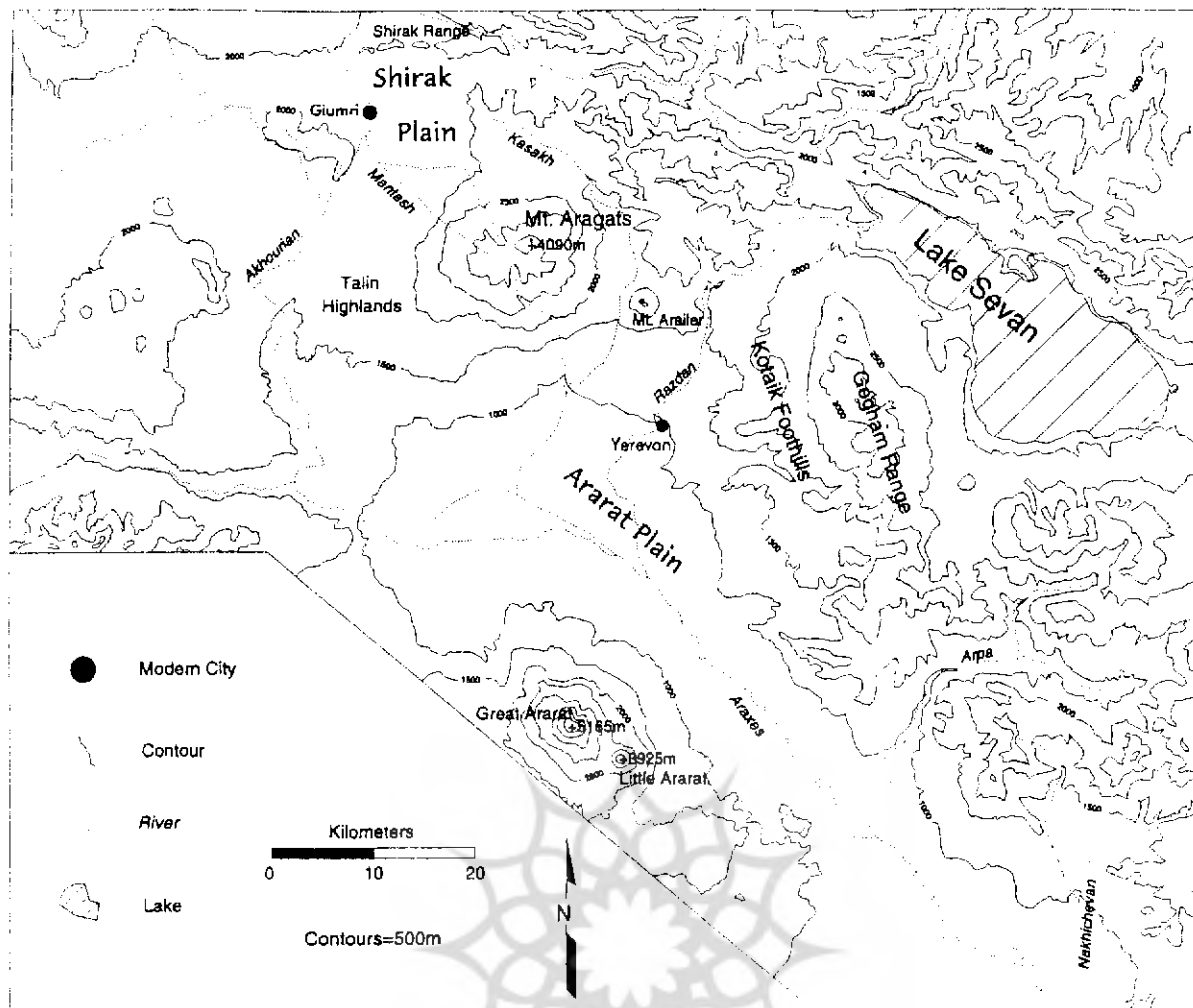
دو مدل کلی برای متمایز کردن سازماندهی سیاسی دولت اورارتو توسعه یافته‌اند. اولین مدل پیشنهاد می‌کند که اورارتو قدرتی متمرکز سیاسی تحت فرمان شاهی مقتدر بود که فعالانه بر جریان توزیع مجدد منابع مواد خام و نیروی کار از مناطق پیرامونی به مراکز منطقه‌ای [قدرت] نظارت می‌کرد.

N. Adontz, Historire d'Arménie (Paris 1946); G.A.Melikishvili, "Nekotorye voprosy social'no-ekonomiceskoj is torii Nairi-Urartu" VD74 (1951) 22-40.

مدل جدید دیگری نظامی مقتدر کمتر تمرکز گرا را ارائه می‌کند. در این مدل، شاه اورارتوایی به کل ایالات بواسطه ادارات محلی که نیروی رزمنده را برای سپاه شاه فراهم می‌کردند، اعمال کنترل می‌کرد. بدلیل اقتدار مستقیم شاه بر کل یوروکراسی سیاسی، پتانسیل قیام و شورش علیه مرکز در حداقل میزان بود (Zimansky 94).

اولین مدل بر قاعده مندی کاربرد ابزارهای اجبار قدرت متمرکز دولتی برای تثبیت روابط میان نابرابری رادیکال بین اتباع و دولت تأکید می‌ورزد. دومین مدل به سازماندهی نهادین دولت اورارتو با عرضه یک الگوی غیر متمرکز حکومتی شکل گرفته بر مبنای توپوگرافی بشدت ناهموار منطقه‌ای، عنایت دارد.

مدلها الزاماً دو جانبه انحصاری نیستند و هر کدام می‌تواند با گزارشهای تاریخی و باستانشناختی پشتیبانی شوند.<sup>(۲۰)</sup> هر چند که هر دو کاستیهایی دارند. منابع اپی گرافیک Epigraphic درباره جزئیات روزافزون تشکیل دهنده عناصر قدرت دولت چیز زیادی نمی‌گویند و - موضوع روابط دولتی و سازماندهی نهادین شده - به سوی مدلی باستانشناختی از اقتدار اورارتو تمایلاتی موجود است. همچنین، مدل تنوع پذیری تاریخی یا جغرافیایی استراتژیهای شاهان اورارتو را بازگو نمی‌کند.



تصویر ۱- ماوراء قفقاز جنوبی، دشتهای آرارات و شیرک.

Years B.C.	Chronology and Periodization	Complexes	
800	Middle Iron Age Urartu	Urartu	
900	Early Iron Age	Lchashen-Metsamor Culture	
1000			Early Iron II
1100	Early Iron I	Lchashen-Metsamor Culture	
1200	Late Bronze III		
1300	Late Bronze Age		Late Bronze II
1400	Late Bronze I Middle Bronze IV		
1500	Middle Bronze Age	Sevan, Karmirberd, Karmirvank Complexes	
1600			Middle Bronze III
1700			Middle Bronze II
1800	Middle Bronze II	Trialeti-Vanadzor Culture	

Source: P. Avevian et al., in A. Kalantarian ed., *10th Scientific Session Devoted to the Results of Archaeological Investigations in the Republic of Armenia (1993-1995)* (Yerevan 1996) 10.

دو نتیجه زیر از این بازسازی مکان عاید می‌شود: اول، محور اولیه تردد در دولت - دژهای اولیه از دشت به دامنه کوهستان عمومی بوده است و نیازهای مرکز سیاسی - همچون دفاع - محور اولیه تردد را تعیین می‌کرد. دوم، به نظر می‌رسد که مشابه همان، طرز رفتار [الگوی تردد] جغرافیایی نبود بلکه مفهومی سیاسی داشت. مواجهه [با] حالتی از چنان تفکیک دقیق جغرافیایی بخش‌های یک نظام سیاسی نادر است. مرکز سیاسی و حومه شهر از بُعدی واحد توپوگرافیکی پیروی می‌کنند به عبارتی دیگر، چنین می‌نماید که رده بندی‌های سیاسی بازتاب پدیده توپوگرافی است؛ همراه با نخبگان سیاسی در برترین ارزیابی و اتباع بر دشت. به نظر می‌رسد که کوهستان قلمرو قدرت دولت و منبع فرمانروایی آن بود.

اندازه‌های پویایی سایت فهرستی سودمند از پتانسیل ترکیب بندی سیاسی منطقه‌ای را فراهم می‌کند. نمودار ۴ الف ابعاد دژهای عصر آهن قدیم دشت آرات و دشت شیرک را نشان می‌دهد. از تسلسل تغییرات تدریجی سایت‌ها هیچ اندازه دقیق تمایز کننده نمونه پیدا نیست. بی تردید، هنگامی که از مرتبه سازمانی سایت‌های کوچک بدون استحکامات غیر مستند اندکی باقی می‌مانند، پتانسیل ترکیب بندی سیاسی منطقه‌ای هم کم بوده است. در غیاب ترکیب بندی منطقه‌ای، هر دژی در هر حال، مرکزی خود مختار یا نیمه خود گردان از قدرت همتراز بوده است.

«کلانتر» نظام‌های آبیاری تدوین کرده است که به طرزی جالب چنان نظام معماری عصر آهن کهن عمل می‌کنند. (Kalantar (supra n.27) 29-35). نظام‌های آبیاری گغام و آراگاتس که کلانتر گزارش کرده است، شماری از شبکه‌های مستقل کانالها و نه‌رها می‌باشند. برای شیب غربی سلسله جبال گغام، کلانتر هفت نظام آبیاری جداگانه که آب را به دشت آرات شرقی می‌برند، پیشنهاد کرده است، مادامیکه ۴ یا ۵ نظام مستقل آب را در شیب جنوبی کوهستان آراگاتس هدایت می‌کردند. هیچ کانال مقطعی که شبکه آبیاری گغام را قطع کند، نبود و فقط نظام آبیاری کوهستان آراگاتس نشانی از شبکه کانالهای متقاطع دارد. این داده‌ها سازماندهی نظام آبیاری در سطح قدرتهای همتراز منطقه‌ای و تقسیم محصول زراعی دشت آرات میان دولت‌های همسایه را پیشنهاد کردند. به نظر می‌رسد که کتیبه‌های اورارتویی این بازسازی را پشتیبانی کنند. کتیبه‌ها نام شهری یگانه یا دژ قدرتهای همتراز ماوراء قفقاز جنوبی را به ما می‌دهند: سرزمین... شهر Dara، سرزمین Quila... شهر Duruba، سرزمین Eriahe... شهر Erdaniu (Melikishvili nos. 131, 132, and 133).

متون اورارتویی کنفدراسیون سیاسی جدیدی را در ماوراء قفقاز جنوبی گزارش کرده‌اند - همچون آزا و اتیونی - که به نظر می‌رسد ضعیف و موقت بوده‌اند. در کل، چشم انداز ماقبل اورارتویی در میان مراکز قدرت محلی متمرکز در دژها پخش شده و جای گرفته است.

برجسته‌ترین بُعد دژهای عصر آهن قدیم قابلیت عدم دسترسی به ایشان است که با ترکیب توپوگرافی و معماری دیوارهای عظیم سنگی [سیکلوپی] پدید آمده است (تصویر ۵). درجه میانگین کلی هفده مکان عصر آهن قدیم برای هر کدام از داده‌ها ۳۰/۸٪ تا ۴۲/۵٪ (Keti) تا ۱۹/۸٪ (Tufashen) هستند. دژهای ژرف پیرامون دژهای عصر آهن قدیم عموماً به مثابه واکنش مکانی به [نیازهای] میلیتاریستی عصر خود تفسیر شده‌اند که شبیه‌های پیرامونی کوهستان دشت آرات و دشت شیرک امیتی برای جلوگیری از حمله و فتح [دژ] فراهم می‌کنند.

این دیدگاه با یک نظر اجمالی کلی بر تحول الگوهای استقراری منطقه تقویت شده است. استقرار گسترده در مکان‌های مناسب دشتهای آرات و شیرک مستنداً فقط در دوران ثبات کامل سیاسی می‌باشند، همچنانکه امپراتوری هخامنشی (۳۳۱-۵۴۶ ق.م) و ساتراپ آرمینیه

نظام‌های معماری رابط اتباع - دولت و نیز اقتصاد سیاسی منطقه‌ای نگه می‌دارد، آنچنان که آنها با گذرگاه‌های سامان یافته پیوسته‌اند که در راستای نیازهای قدرت سیاسی هستند که طبقه حاکم و مواجعه با اتباع آنها را معین کرده است.

نهایتاً، توپوگرافی یک بعد محلی قطعی نظام معماری اتباع - دولت است بدان علت که واسطه بسیار سهل الوصول محوره‌های سامان یافته دسترسی به مراکز سیاسی می‌باشد. درجه معدل سایت‌های دژ [سایت‌هایی که دژ هستند] اندازه خوبی برای دستیابی به مراکز سیاسی در سطحی محلی فراهم می‌کند. درجه معدل اندازه استاندارد شده مبتنی بر محاسبات شیب برای هشت مقطع خطوط شعاعی دیوارهای بیرونی یک دژ در امتداد راستای اصلی می‌باشد.

سنجش درجه میانگین برای هر سایت رسیدن به یک درجه میانگین کلی برای هر دوره و بنابراین تحولات خطی در قابلیت دستیابی به مراکز سیاسی اجازه می‌دهد.

با سنجش گشتارها در این ابعاد چشم‌انداز ماوراء قفقاز جنوبی از عصر آهن کهن تا دوره بازسازی [امپراتوری]، ما بر چشم‌اندازی از سازماندهی مکانی روابط میان عناصر دستگاهی دولتی و اتباع قدرت دست می‌یابیم.

## عصر آهن کهن

به لطف بررسی‌های متعدد باستانشناختی و معماری که در اواخر نیمه دوم قرن [بیستم] در دشتهای آرات، شیرک، و شیبهای کوهستان آراگاتس و سلسله جبال گغام انجام شده‌اند، ما می‌توانیم نسبتاً نقشه‌های مستند از پراکندگی منطقه‌ای استقرارهای استحکاماتی عصر آهن کهن تهیه کنیم (تصویر ۳). هر چند که فقط با نگرش بر پراکندگی دژها، و نه مثلاً سایت‌های کوچک و کیمریان، ما فقط یک جنبه از نظام استقراری ایشان را به طرزی قابل ملاحظه داریم. اندک استقرارهای فاقد استحکامات از دوره دولت - شهرهای آغازین (Mokharblur؛ لایه دوم یکی از اندک سایت‌های مهم مکشوف می‌باشد) شناخته شده‌اند و هیچ کدام با دقت نقشه‌برداری نگردیده‌اند. (۲۳) همچنین، به علت فقدان نظم گاهنگاری، نقشه‌های استقرارهای این دوره نمودارهای نابسامانی از پنج قرن شکل‌گیری و فروپاشی دولت را نمایش می‌دهند. مکان، به لحاظ توپوگرافیک، یک ویژگی همگون کاملاً مشخص دژهای عصر آهن قدیم دشتهای آرات و شیرک است. از ۲۴ دژ شناخته شده، همگی در شیبهای کوهستانهای بلند جای گرفته‌اند (به استثنای Tsitsernakaberd، Metsamor در دشت آرات و Agin و Aigabats در دشت شیرک). این سازماندهی استقرار، یک L.Q از رقم 6.0 دال بر یک گرایش مکانی خیلی قوی به سوی کوهپایه‌ها پدید می‌آورد. دژهای عصر آهن قدیم دشت شیرک ۱۹۳۸/۷ متر و دشت آرات ۱۴۵۵/۳ متر از سطح دریا ارتفاع دارند.

این گرایش مکانی نسبتاً خاص دژهای ماقبل اورارتویی، تا آنجا که مراکز سیاسی اجازه می‌دهند، ادله بسیار مهمی برای نظام معماری عصر آهن کهن قدرتهای سیاسی همتراز نگه می‌دارد. پراکندگی محدود مراکز سیاسی دولت - دژهای آغازین از تباطی عملی متمایز میان دژها و اراضی اطراف را مشخص کرده‌اند. تردد میان اراضی مزروعی و مراکز سیاسی می‌بایستی در امتداد محوری الزاماً عمودی از مرکز سیاسی به شیبهای کوهستان و دشتهای کوهپایه جهت دسترسی به اراضی حاصلخیز انجام می‌شده است. در بسیاری حالات فاصله میان دژها و لبه انتهایی دشت آرات، ۵ کیلومتر یا بیشتر عرض داشته است و احتمالاً کشاورزان از دژها به اراضی زراعی تردد روزانه نداشته‌اند و نسبتاً قرارگاههای کوچکی در دشت احداث کردند. در منطقه شیرک، فاصله دژها تا دشت کمتر بود اما هیچ قرارگاه عصر آهن قدیم در آنجا مستنداً شناسایی نشده است.

Urartian King	Synchronism	Assyrian King	Assyrian King	Date B.C.	Campaign Against
<i>Reconstruction period</i>					
Sarduri IV	Sarduri		Shalmaneser III (858-824)	858	Kakia King of Nairi
Sarduri III	643			858 856 844	Aramu the Urartian
Rusa III		Ashurbanipal (668-631)	Ashurnasirpal II (883-859)	early 9th century	Nairi Urartu
Erimena	Rusa 652		Adad-nirari II (911-891)	late 10th century	Uratri Nairi
Rusa II	Ursa 673/72	Esarhaddon (680-669)	Ashur-bel-kala (1073-1056)	ca. 1070	Uruatri
Argishti II (713-?)	Argishta 708	Sennacherib (704-681) Sargon II (721-705)	Tiglath-pileser I (1114-1076)	ca. 1114	23 Kings of Nairi 60 Kings of Nairi
			Tukulti-ninurta I (1243-1207)	late 13th century	40 Kings of Nairi Lands
			Shalmaneser I (1273-1244)	ca. 1273	8 Lands of Uruatri

Sources: Grayson; M. Salvini, *Geschichte und Kultur der Urartäer* (Darmstadt 1995) 207.

*Imperial period*

نمودار ۲- گاهنگاری تاریخی اورارتو: دوره تکوینی.

Rusa I (ca. 730-713)	Rusa 714	Sargon II (721-705)
Sarduri II (756-ca. 730)	Sarduri 743 745	Shalmaneser V (726-722)
Argishti I (786-756)	Ashur-nirari → Argishtu Argishti	Tiglath-pileser III (744-727)
Menua (810-785/80)		Ashur-nirari V (754-745)
Co-Regency (ca. 820-810)		Ashur-dan III (772-755)
Ishpuini (ca. 830-820)	Ushpina 821	Shalmaneser IV (782-773)
Sarduri I (ca. 840-830)	Seduri the Urartian 832	Adad-nirari III (810-783)
		Shamshi-Adad V (823-811)
		Shalmaneser III (858-824)

All dates are B.C. Sources: M. Salvini, *Geschichte und Kultur der Urartäer* (Darmstadt 1995) 207; Zimansky 99.

نمودار ۳- گاهنگاری تاریخی اورارتو: دوران امپراتوری و بازسازی.

امپراتوری فرموله کرده بود. (۲۶) همانند مراکز دوره امپراتوری در دشت آرات، [سازندگان] دژهای اورارتویی در هرورم از شیبهای طولانی کوهستان پرهیز کردند و همانند قدرتهای عصر آهن قدیم موقعیتی مستقیماً مشرف و مسلط بر دشت شیرک جنوبی و ورود به جاده اولیه کوهپایه‌های تالین را ترجیح دادند. گرچه مکان منطقه‌ای هرورم به الگوی تثبیت شده در دشت آرات می‌پیوندد اما هرورم در مقیاسی بازشناخته (ذیلاً بحث خواهد شد) مثالی خاص از معماری اورارتویی است.

همانند نمونه‌های پیشین آنها، دژهای اورارتویی عصر امپراتوری (تصویر ۷) بالای تپه‌ها و صخره‌ها ساخته شده‌اند؛ هر چند که، توپوگرافی سایت‌های اورارتویی کمتر قابل ملاحظه‌اند تا اینکه دژهای عصر آهن. کل درجه میانگین سایت‌های اورارتویی عصر امپراتوری ۱۹/۷٪ است در مقایسه با رقم ۳۰/۸٪ دژهای عصر کهن آهن. توپوگرافی دژهای اورارتویی دشت آرات با سایت‌های معاصر در آناتولی شرقی متضاد است. برای مثال درجه میانگین در سلسله جبال چاووش تپه از ۲۸٪ تا ۴۰٪ در مکان‌های پست‌تر، تنوع‌پذیری منطقه‌ای قابل ملاحظه‌ای در گزینش سایت متقدم درون اورارتو را پیشنهاد می‌کند که دلیل تنوع اتباع - دولت نظام‌های معماری می‌باشد.

(A. Erzen, Çanistepe I: U'rtian Architectural Monuments of the 7th and 6th Centuries B.C. and a Necropolis of the Middle Age (ankara 1988)).

نتیجه کامل پراکندگی، اندازه دینامیکها و توپوگرافی سایت‌های دوره امپراتوری آن بود که با نمونه‌های هم‌تای عصر آهن قدیم خویش مقایسه گردید که دژهای اورارتویی نسبتاً قابل دسترسی‌تر می‌باشند. هیچ مانع توپوگرافیکی از تردد میان مراکز اورارتویی و دشت‌ها که بر آنها اشراف داشتند ممانعت نکرد. نظام‌های معماری سیاسی در دشت آرات تحت اشغال امپراتوری اورارتو نسبت به الگوی عمودی الزاماً ثبات یافته‌ای میان اتباع و دستگاه سیاسی باز جهت داده شدند که با چشم‌اندازهای آهن قدیم با یک رابطه مکانی کاملاً پیوسته مشخص گردیدند. دولت به مدتی طولانی حضوری گم‌رنگ نداشت بلکه با تمرکز قدرت خویش بر بلندای کوهساران، حضوری مستقیم و مشخص بر همه بر هم کنش‌های سامان یافته اعمال کرد.

\*\*\*

- این مقاله ترجمه‌ای است از:

"The Making of an Urartian landscape in Southern Transcaucasia: A study of political Architectonics", American Journal of Archaeology(103) 1999: 47-57.

### پاورقی‌ها

۱- تحقیق برای این مقاله توسط هیأت امنای بنیاد ملی علوم و موسسه باستان‌شناسی و مردم‌نگاری جمهوری ارمنستان حمایت شد. داده‌های مورد مباحثه در اینجا با جزئیات مفصل در بسیاری رسالات پرداخته شده‌اند؛

A.T. Smith, Imperial Archipelago: The Making of an Landscape in Southern Transcaucasia (Diss. Univ. of Arizona 1996).

من از Aram, Ruben Badaljan, philip kohl, korian kafaolarian و Kalantarian برای یاری در پژوهش میدانی و از Ana Alonso, T. Patrick culbert, Carol kramer, David kilick, و Carola sinopoli, Susan Alcock و دیوید استروناخ، و ویراستاری گمنام از نشریه AJA و بسیاری دوستان و همکاران در دپارتمان انسان‌شناسی دانشگاه آریزونا متشکرم. برای

(۱۹۰۶۹ ق.م.) چنین کردند. هر چند که بدون درکی از منابع ایدئولوژیکی و مادی رقابت، میلیتاریسم آنچنانکه باید تفسیر نمی‌گردد. «بدلجان» Badaljan در قالبی منطقی پیشنهاد کرد که شاید بسیاری از نبردها از طریق شبکه پیچیده نظام آبیاری در امتداد شیبهای کوهستان آراگاتس و سلسله جبال گغام کنترل شده است که آب برقهای آب شده قلل را پیش از آوردن آن، به پایین، به سوی دشتهای حاصلخیز که زراعت در آنجا متمرکز شده بود، کانالیزه می‌کردند.

(R.Badaljan.personla communication 1997)

متأسفانه، در حال حاضر ما اطلاعات بسیار اندکی جهت توجیه پیدایش این قدرتهای هم‌تراز داریم هنگامیکه آنها پدیدار شدند و چنان زیستند.

### دوره امپراتوری

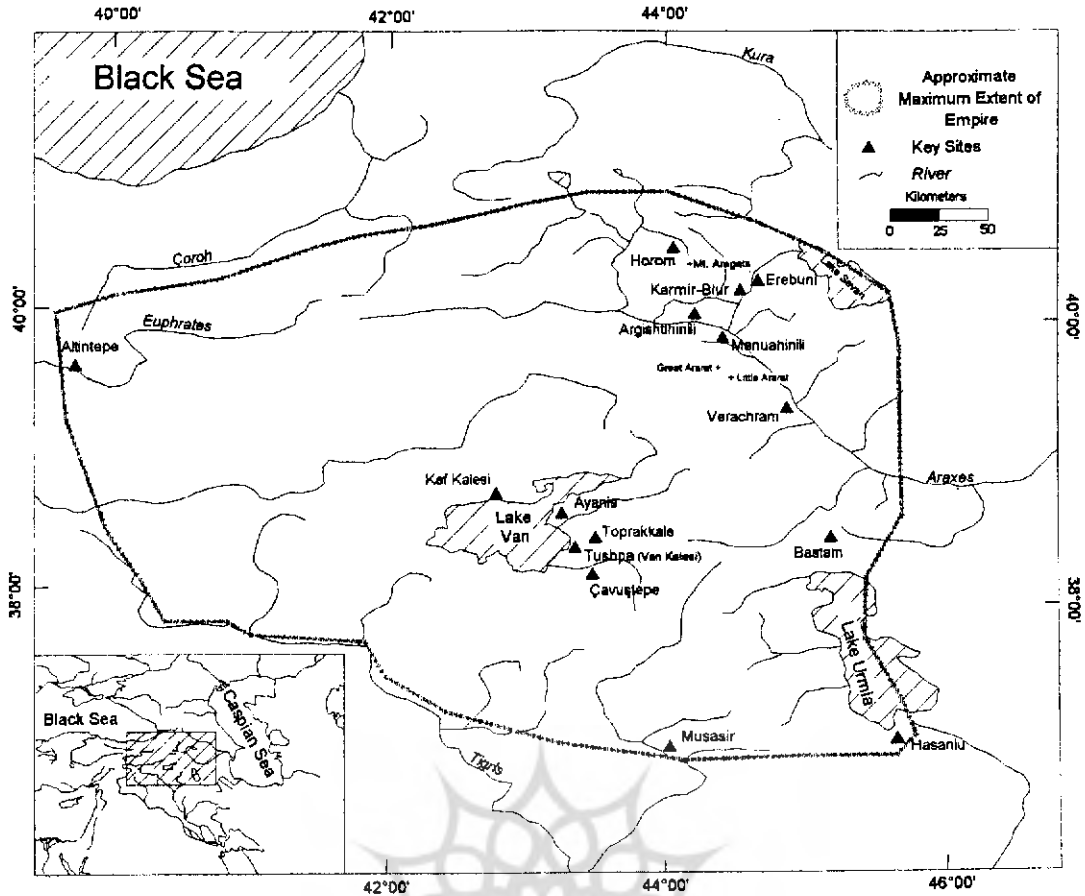
نظام‌های معماری دشت آرات در مدت امپراتوری اورارتو (تصویر ۶) در تضاد با مکان‌های عصر آهن قدیم بودند. مکان‌های مراکز سیاسی متعاقباً از شیب کوهستان به دشت جابجا شدند که بر یک تشدید مستقیم اغماض سیاسی از فعالیت در دشت دلالت می‌کنند. اما شبکه خوشه‌ای دژهای عصر آهن قدیم در پیرامون کوهپایه‌های دشت آرات گسترده و مکان‌های اورارتویی در طرازی پایین‌تر ساخته شدند. (۲۴) مقایسه‌های آماری الواسیون عصر آهن کهن و دژهای دوره امپراتوری (کاربرد آزمون مان‌ویتنی) کاملاً دلالت می‌کند بر آن که تفاوت‌های الواسیون میان مجموعه‌ها بسیار قابل ملاحظه‌اند ( $P < 0.001$ ), رقم L-Q استقرار اورارتویی در مدت دوره سلطنتی ۱/۶ و دال بر ۱۱ پراکندگی استقرار پیرامون منحنی ترازهای ۱۱۰۰ متری می‌باشد. هرچند که، در بافت متقدم دوره، این جابجایی در مکان بر جنب و جوش تغییر استقرار از کوهپایه به دشت دلالت می‌کند.

در جزئیات نظام معماری روابط میان دژهای اورارتویی درون دشت آرات، ما می‌توانیم دوباره به اندازه‌های متفاوت سایت نسبت به پتانسیل سلسله مراتب میان دژهای اورارتویی بنگریم. «ولفرام کلایس» اندازه‌ای سه وجهی برای دژهای اورارتویی دوره امپراتوری ترسیم کرده است همچنانکه زیمانسکی بر اندازه‌های چهار وجهی سایت استدلال می‌کند. (۲۵)

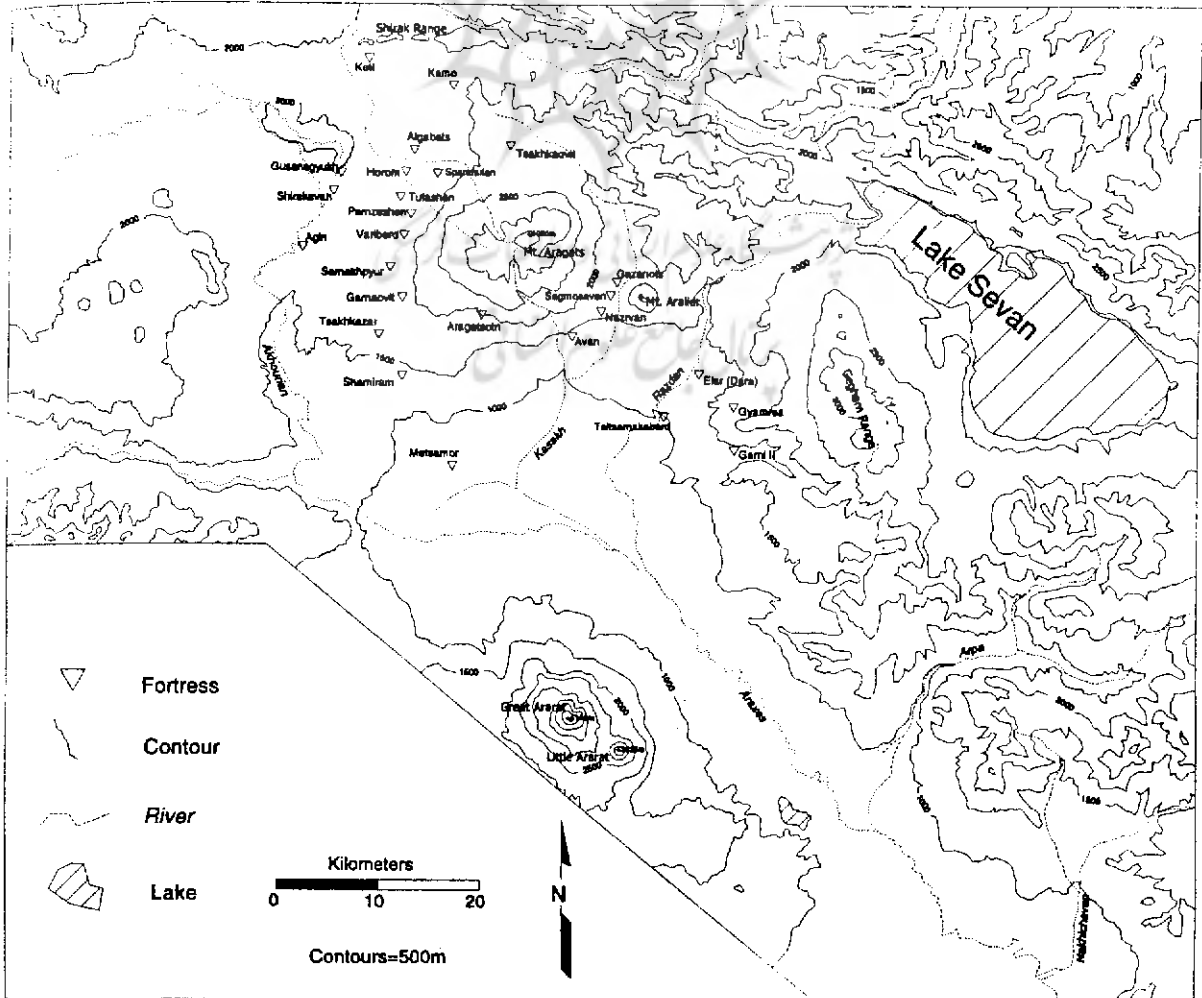
مقایسه اندازه‌های سایت برای ۶ دژ دوره امپراتوری در منطقه دشت آرات که برای داده‌ها مستقیماً قابل دسترسی اند (تصویر ۴) به سلسله مراتب دو مرتبه‌ای دژها با ترکیب محوطه‌های دو دژ در سایت آرگیشتی هینیلی (۴۰۲ ha) انجامیده است که بیرون از تسلسل تغییرات تدریجی با طیف ۰/۷۵ تا ۳ ha می‌ایستد.

مقایسه آرگیشتی هینیلی با اربونی به شناسایی آنها به عنوان مرکز اقتصادی اولیه دشت (اولی) و مرکزیت سیاسی منطقه (دومی) انجامید. خاطر نشان شده است که سه دژ بزرگ اورارتویی دشت آرات، آرگیشتی هینیلی، آراموس و آرتاشات، بر سر سه راه اولیه مدخل دشت قرار دارند. این تأکید بسیار بر اشغال راه‌های ترانزیتی اصلی با دژهای بزرگ اورارتویی، نظام بازپخش کالاهای بیرون از دشت به دیگر مناطق امپراتوری را پیشنهاد می‌کند. مطمئناً، در کل، غنای دشت آرات مورد عنایت ویژه امپراتوری بود و آنرا در مقایسه با دیگر ایالات متمایز می‌کرد. سازماندهی منطقه‌ای مرکز دولت پیشنهاد می‌کند که برون یافته‌های اندکی همچون Dovi به عنوان نقاط اتصال محلی و مراکز آمار سپاه به کار رفته‌اند. آرگیشتی هینیلی مرکز بازپخش اولیه منطقه‌ای برای گردآوری کالاها از دشت آرات بود.

تحقیقات اخیر در دژ شمالی سایت هرورم Horom پیشنهاد کرده است که اورارتو نیز استقرار خویش را در دشت شیرک جنوبی در مدت دوران



تصویر ۲- امپراتوری اورارتو توری.



تصویر ۳- پراکندگی دزهای عصر آهن اولیه در دشت‌های آرات و شیریک.



پشتیبان استیلای طبقه سیاسی حاکم به کار می‌برم:

T. Eagleton, *Ideology: An Introduction* (London 1991); J.B. Thompson, *Studies in the Theory of Ideology* (Cambridge 1984).

۵- ملیکیشویلی، شماره ۱۳۷. کتیبه‌های اورارتویی اغلب مفصلاً بحث می‌کنند درباره ساخت و سازهای امپراتوری و اشغال و استقرار در مناطق تپه‌ای، برای بحث نمودهای اورارتویی چشم‌انداز بنگرید به مقاله:

A.T. Smith, "Rendering the Political Aesthetic: Ideology and Legitimacy in Urartian Representations of the Built Environment" (unpublished manuscript).

۶- نظام معماری اصطلاحی است که هم در معماری و هم در فلسفه برای شرح مبانی‌ای که زمینه طراحی ریختار شده‌اند، به کار رفته است:

Webster's third new international dictionary of the English Language (1986).

پیشنهاد می‌کند اصطلاح به شرح ذیل توصیف شود: «طرح ساختاری که ایجاد تعادل می‌کند، در بخشی یا کلی از یک کار: عنصر ریختار که بخشها را هر کدام با یکدیگر و با کل مرتبط می‌کند». نظامهای معماری سیاسی استراتژیها، اهداف و سیاستهایی که با نظم خاص روابط میان مکانها به مقابله مکان انجام فعالیت‌های فیزیکی مرتبط می‌کنند را شرح می‌دهند. مفهوم نظام معماری به استمرار روابط منظم میان مکان و دیگر دلایل کنش و رفتار، وضعیت تحلیلی مرکزی می‌بخشد؛ در تضاد با معماری، که به لحاظ سنجی به قواعد، مبانی و سبک پایه‌ای شکل و دلایل ایشان برای ارتباطات باز می‌گردد:

munication; cf. K. Frampton, *Studies in Tectonic culture: The Poetics of Construction in Nineteenth and Twentieth Century Architecture* (Cambridge 1995) 3-8; T.A. Marcus, *Buildings and Power* (London 1993) 8-28; and A. Rapoport, *The Meaning of the Built Environment* (Tucson 1982).

7- E.g.R. Carneiro, "A Theory of the Origin of the State," *Science* 169 (1970) 733-39; I.M. Diakonoff, "The Rise of the Despot State in Ancient Mesopotamia," in Diakonoff ed., *Ancient Mesopotamia* (Moscow 1956) 173-97; M.H. Fried, *The Evolution of Political Society* (New York 1967); and A.M. Khazanov, "Some Theoretical Problems of the Study of the Early State," in Claessen and Skalnik 77-92.

8- E.g., H.J.M. Claessen, "The Early State: A Structural Approach," in Claessen and Skalnik 533-96; P. Skalnik, "The Early State as a Process," in Claessen and Skalnik 597-618; and H. Wright and G.A. Johnson, "Population, Exchange, and Early State Formation in Southwestern Iran", *AmerAnt* 77 (1975) 267-89.

۹- روسها به منطقه جنوب قفقاز (جمهوریهای آذربایجان، گرجستان و ارمنستان) لفظ ماوراء قفقاز اطلاق می‌کنند اما به عکس، دیگران ماوراء قفقاز را دشتها و کوهپایه‌های شمال قفقاز می‌دانند. در اینجا نویسنده مفهوم روسی را برگرفته است (مترجم).

۱۰- در دشت شیرک، گندم و جو محصول اولیه‌اند مادامیکه شرایط نیمه حاره بخشهایی از دشت آرات - به یاری آبیاری - اجازه کشت

پیشنهادات موثر و صادقانه و توضیحات تفسیری بر این دست نوشته مقاله خلاصه‌های زیر به کار رفته‌اند:

Badaljan et al. R. Badaljan et al., "Preliminary Report on the 1993 Excavations at Horom, Armenia," *Iran* 32 (1994) 1-29.

Claessen and Skalnik H.J. M. Claessen and P. Skalnik eds.,

*The Early State* (The Hague 1978).

Grayson A.K. Grayson, *Assyrian Rulers of the Third and Second Millennia B.C.* (Toronto 1987).

Martirosian A.A. Martirosian, *Argishtihinili* (Yerevan 1974).

Melikishvili G.A. Melikishvili. *Urartskie klinoobranje nadpisi* (Moscow 1960).

Oganesian 1955 K.L. Oganesian, *Karmir-Blur IV: Arkitektura Teishebaini* (Yerevan 1955).

Oganesian 1961 K.L. Oganesian, *Arin-Berd I: Arkitektura Erebuni* (Yerevan 1961).

Piotrovskii 1959 B.B. Piotrovskii, *Vanskoe tsartsuo* (Moscow 1969).

Piotrovskii 1969 B.B. Piotrovskii, *The Ancient Civilization of Urartu* (New York 1969).

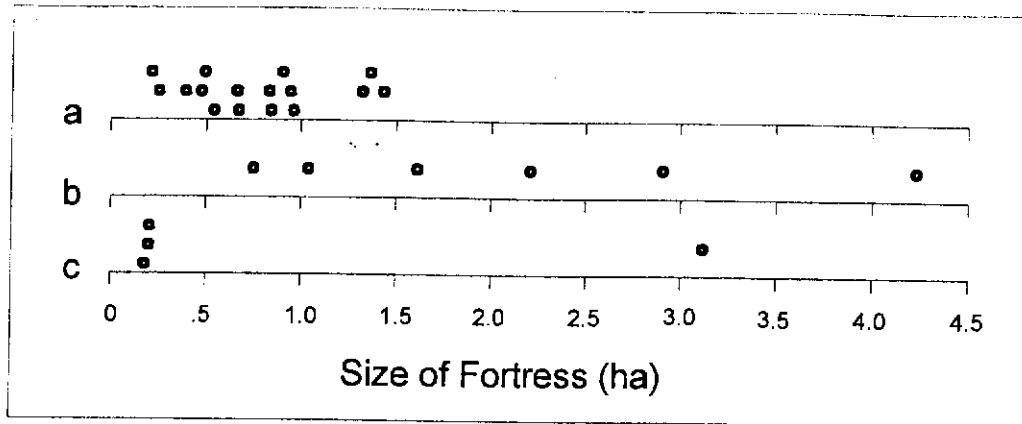
Zimansky P.E. Zimansky, *Ecology and Empire: The Structure of the Urartian State* (SAOC 41, Chicago 1985).

۲- اصطلاح چشم‌انداز تنها به پیرامون فیزیکی معنی نمی‌دهد بلکه به مجموعه مشترک هماهنگ مواد و رفتار اجتماعی که به یکدیگر اجازه بسط ارتباط را می‌دهند نیز اطلاق می‌گردد. مادامیکه اصطلاحاتی نظیر منطقه، قلمرو و سایت عموماً صرفاً مفهوم ابعاد فیزیکی مکان را افاده می‌کنند، چشم‌انداز کمتر به مجاورت - پیوستگی هندسی منطقه معنی می‌دهد تا اینکه به مجموعه متشکل اجتماعی پیوسته با مکانها، بنگرید به:

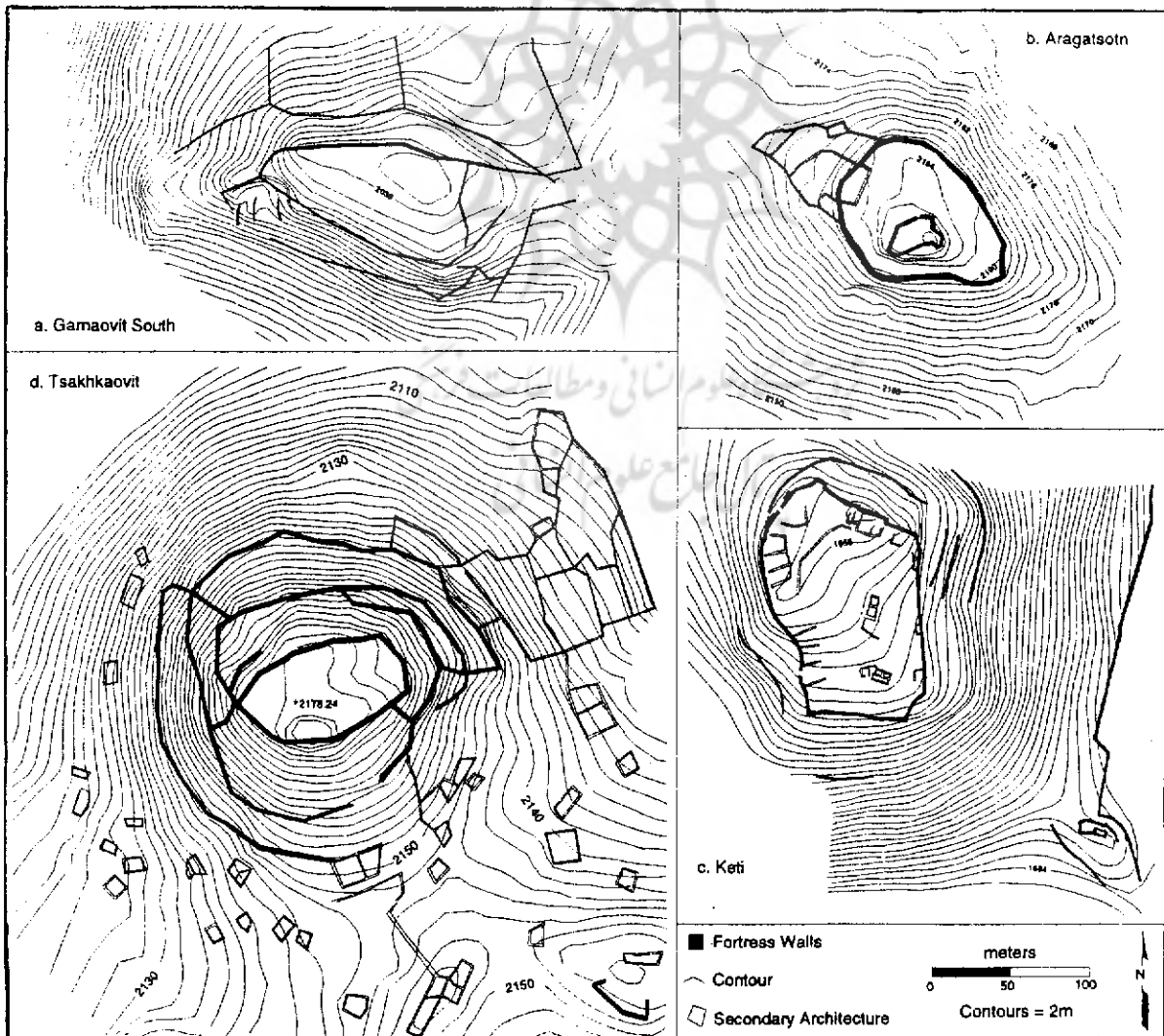
S. Zukin, *Landscapes of Power: From Detroit to Disney World* (Berkeley 1991) 16-20; and D.Cosgrove, *Social Formation and Symbolic Landscape* (London 1984).

3- E.g.W. Ashmore, "Construction and cosmology: Politics and Ideology in Lowland Maya Settlement Patterns," in W.F. Hanks and D.S. Rice eds., *word and Image in Maya Culture: Explorations in Language, Writing, and Representation* (Salt Lake city 1989) 272-86; M. Leone, "Rule By Ostentation: The Relationship between Space and Sight in 18th Century American Landscape Architecture in the Chesapeake Region of Maryland," in S.Kent ed., *Method and theory for Activity Area Research: An Ethnoarchaeological Approach* (New York 1987) 604-33; A.T. Smith and N. David, "The Production of space and the House of Xidi Sukur", *Curr Anthr* 36 (1995) 441-71.

۴- من اصطلاح ایدئولوژی را بر مبنای فرایندهای تولید فرهنگی

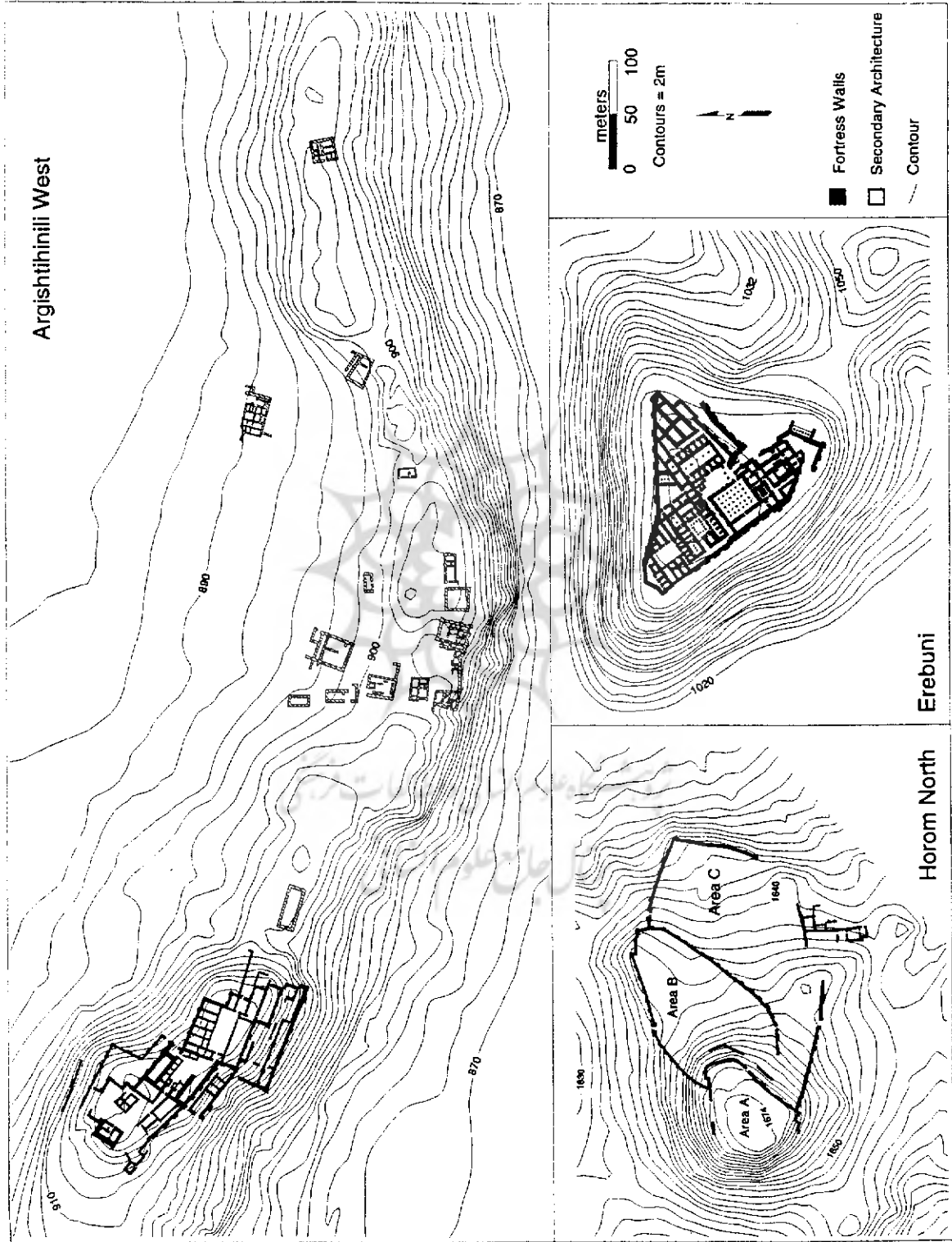


تصویر ۴- نمودار (الف) ابعاد دژهای اورارتویی و عصر آهن اولیه (ب) عصر آهن اولیه (پ) دوره امپراتوری و دوره بازسازی



تصویر ۵- دژهای عصر آهن اولیه، دشتهای آرارات و شیرک.

تصویر ۷- دژهای اوپراتوی دوران امپراتوری در دشتهای آرات و شیرک.



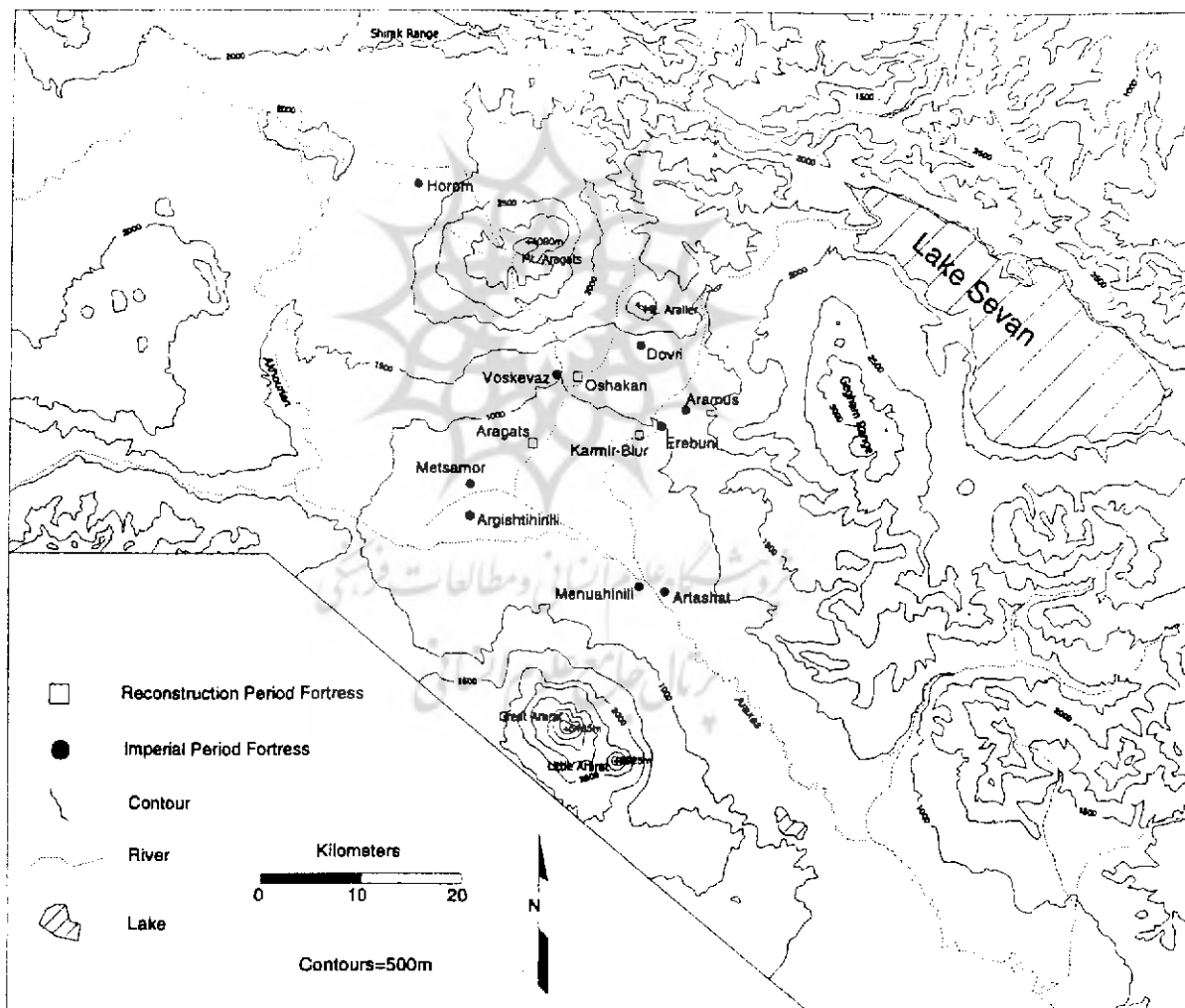
- ۲۰- در سراسر این مقاله هر کجا که سخن از تاریخ و گزارش تاریخی می‌آید، منظور کتیبه‌های تاریخی مکشوف از پژوهشهای باستان‌شناسی می‌باشند، زیرا که اسناد تاریخی - چه اسناد مورخان ارمنی دوران ساسانی و حتی تواریخ هرودوت - از تمدن اورارتو ما را آگاه نکرده بودند! (مترجم)
- 21- Cf. G.A. Johnson, Local Exchange and Early State Development in Southwestern Iran (Ann Arbor 1973); and S.E. Falconer and S.H. Savage, "Hinterlands and Hinterlands: Trajectories of Early Urbanization in Mesopotamia and the Southern Levant," *AmerAnt* 60 (1995) 37-58.
- 22- Important surveys in the region include A.A. Adzhani et al., "Tsiklopicheskii Kreposti Zakavkazia," *Soobshcheniya gosudarstvennogo akademii istorii materialnoi kultury* 1-2 (1932) 61-61; G.E. Areshian et al., "Arkheologicheskie issledovaniya v Ashtarakskom i Nairiskom raionakh Armyanskoi SSR," *Vestnik Obshchestvennykh Nauk* 4 (1977) 77-93; A. Kalantar, *Armenia: From the Stone Age to the Middle Ages* (Paris 1994); B.B. Piotrovskii and L.T. Gyuzalian, "Kreposti Armenii dourartskogo i urartskogo vremeni," *Pamyatniki Istorii Materialnoi Kultury* 5-6 (1933) 57-60; and T. Toramanian, *Nyuter Haykakan chararapetutyun patmutyan* (Yerevan 1942).
- 23- G.E. Areshian, "Voprosi tipologii naseleennykh Armenii Posdnego Bronzovogo i Rannego Zheleznogo Vekov," *Nauchnie Soobshcheniya Gosudarstvennogo Muzei Iskusstva Narodov Vostoka* 10 (1978) 91-108.
- ۲۴- گشتاری مشابه در الگوهای استقرار در درهٔ منتارو پرو گزارش شده است؛ با وحدت قدرتهای همتراز محلی و تشکیل امپراتوری اینکا؛  
See T.K. Earle et al., "Changing Settlement Patterns in the Upper Montaro Valley," *Journal of New World Archaeology* 4 (1980) 1-49.
- ۲۵- اندازه دژ با اهداف این پژوهش سنجیده شده است که اندازه محوطه محصور برج و بارو به بازتاب اندازه کل سایت اجازه نمی‌دهد. تخمین زیمانسکی از اندازه سایت، شامل کل تپه می‌شود. محوطه از دیوارهای بیرونی دژ اندازه‌گیری می‌گردد و آنچه که بدست می‌آید، من تصور می‌کنم مساحت استقرار باشد تا اینکه مساحت دژ، پس تخمین‌های وی قابل مقایسه جهت اندازه دژ مطرح شده در اینجا نمی‌باشند.  
W. Kleiss, "Größenvergleiche urartaischer Burgen und Siedlungen," in R.M. Boehmer and H. Hauptmann eds., *Beiträge zur Altertumskunde Kleinasien: Festschrift für Kurt Bittel* (Mainz 1983) 283-90; Zimansky 35.
- 26- Badaljan et al., *Kroll. personal communication 1997: contra an earlier suggestion by A.T. Smith in M. Gadzhiev et al., "The 1994 Excavations of the Daghestan-American Archaeological Expedition to Velikent in Southern Daghestan, Russia,"* *Iran* 33 (1995) 139-47.
- محصولات متنوع، همچون انار، پنبه، زردآلو و انجیر و زیتون را داد:  
(G.E. Curtis and R.G. Suny, *Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Country Studies* [Washington, D.C. 1995] 45).
- 11- See discussions in K.K. Kushnareva and V.I. Markovin eds., *Epokha bronzy Kavkaza i Srednei Azii: Rannaya i srednyaya bronza Kavkaza* (Moscow 1994).
- 12- p. Avetisyan et al., "Regarding the Problem of Periodization and Chronology of Bronze and Iron Age Armenia" (in Armenian), in A. Kalantarian ed., 10th Scientific Session devoted to the Results of Archaeological Investigations in the Republic of Armenia (1993-1995) (Yerevan 1996) 8-10.
- ۱۳- گاهنگاری دورهٔ دولت - دژهای اولیه ماوراء قفقاز جنوبی اندک مساله‌دار هستند. فقدان کاوشهای بسامان در سایت‌های شاخص لایه‌بندی، با ضمیمه سالیابی C14، توان ما را جهت تشخیص تحولات در سبک‌های فرهنگ مادی درون افق فرهنگ Lchashen-Metsamor محدود کرده است.
- ۱۴- آشوریان بارها این اتحادیه سیاسی شمالی را با نام "Ur(u)atri" (از دورهٔ شاهی شلمنصر اول) یا نائیری (از آغاز سلطنت توکولتی نینورتای اول) نامیده‌اند. خاستگاه‌های واقعی نام‌های اورارتو و نائیری ناشناخته‌اند. در بعضی کتیبه‌ها (Grayson A.O. 77-1) به نظر می‌رسد آنان پیوستگی‌های گسترده جغرافیایی باشند مادامی که در دیگر کتیبه‌ها (Grayson A.O. 87.1) به نظر می‌رسد آنها معنی کنفدراسیون‌های سیاسی متحد در مقابل آشور را افاده می‌کنند (ماریوسالوینی؛ نائیری و اورارتو؛ رم، ۱۹۶۷).
- ۱۵- به نظر می‌رسد که، بسیار مشابه آن، دولت - دژهای ماوراء قفقاز جنوبی مستنداً بخش‌های مکمل چشم‌انداز آنان تولی شرقی عصر آهن قدیم نیز بودند. اما مواد مقایسه‌ای کافی در حال حاضر جهت تأیید یا تصدیق این فرضیه وجود ندارد.
- ۱۶- کتیبه‌ای جدید اخیراً در ناحیه زنگزور کشف شده است (۱۹۹۶):  
هامایاکیان «کتیبهٔ میخی از اوجاسر - ایلان داغ، نخجوان»، *SMEA*, ش ۳۷: ۱۹۹۶، ص ۵۱-۱۳۹.
- ۱۷- سارگون در هشتمین نبرد خود فهرستی ارزشمند از اسامی جغرافیایی حوضهٔ دریاچه ارومیه بدست می‌دهد؛ بنگرید به «هشتمین نبرد سارگون» ال.دی. لوین، در کتاب مشترک لوین و کایلریانگ با عنوان کوهستانها و کوهپایه‌ها: مقالاتی در بارهٔ باستان‌شناسی بین‌النهرین بزرگ (مالیبو ۱۹۷۷) ۵۱-۱۳۵ و نیز مقالهٔ P. Zimansky با عنوان «جغرافیای اورارتوئی و هشتمین نبرد سارگون»، *JNES* ش ۴۹: ۱۹۹۰، ص ۲۱-۱.
- 18- G.B. Lanfranchi and S. Parpola, *The correspondence of Sargon II, Pt. II: Letters from the Northern and Northeastern Provinces* (Helsinki 1990) nos. 91 and 92.
- ۱۹- دربارهٔ آن بنگرید به پیوتروسکی ۱۹۵۹ و ۱۹۶۹، منبع کتاب مقدس که پیوتروسکی به آن استناد می‌کند در Jer. 51:27 برای تقد آن بنگرید به مقالهٔ S. Kroll با عنوان «Urartu» (۱۹۸۴) صفحات ۷۰ تا ۱۰۱.
- همچنین مقاله زیمانسکی با عنوان «Urartian Ozymandias Expedition» شماره ۵۸ (۱۹۹۵) صفحات ۹۴ تا ۱۰۰.

**توضیح مترجم**

بایسته و شایسته است که در ترجمه دو واژه فنی Landscape و Architectonic توضیح داده شود؛ تاکنون برای هر دو واژه معادل رسمی فارسی ارایه نشده است. Landscape در هنر معنی چشم‌انداز و دورنما و مناظر و مرایا دارد ولی در باستان‌شناسی مفهوم چهره فیزیکی زمین و پیوستگیهای جغرافیایی - فرهنگی با آن را می‌دهد (دکتر میراسکندری) آقای حسن اکبری نیز معنی آن را به پیوستگی جغرافیایی بوم زیست با شیوه زندگی مردم و فرهنگ آنان افاده می‌کنند. در فرهنگ جدید آریانپور (۱۳۷۷) معادلهای چشم‌انداز و زمین چهر آمده‌اند. در این ترجمه من همان واژه چشم‌انداز را ترجیح داده و برگزیدم.

واژه Architectonic در فرهنگ وبستر مفاهیم؛ ساختار یا طرحی که چونان معماری تلقی می‌شود / وابسته به هنر معماری و تکنیکهای آن / مبتنی بر اشکالی که چونان معماری محسوب می‌گردند / وابسته به معماری به مثابه یک تکنیک / ساخت و ساز و نظم و آراستگی / هنر یا علم معماری / نظم سازه‌ها اعمال شده در ساختمان و طراحی، را دارا می‌باشد. فرهنگ نوین آریانپور معادلهای فنی معماری، بنیادپردازی و طرح‌پردازی را عرضه داشته است. مترجم معادل نظام معماری را پسندیده‌تر یافت.

Scalar اسکالر نیز در ریاضیات به مفهوم کمیت مقداری و نه برداری می‌باشد. (فرهنگ وبستر)



تصویر ۶- پراکندگی دژهای اورارتویی دوران بازسازی و امپراتوری در دشتهای آارات و شیرک.